اهمیت بازی های بومی محلی

هریک از این بازی‌ها با توجه به نوع الگوی اجرا و پیچیدگی مهارتی آن، کمک شایانی به افزایش آمادگی جسمانی، حرکتی و مهارتی در سنین پایه برای ورود به عرصه ورزش قهرمانی خواهد کرد.

قانون‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، تمرین هم‌افزایی و کارگروهی، احترام به حقوق دیگران، مدیریت رفتار و نیل به برتری در قالب این بازی‌ها گنجانده شده است.

تعمق در بازی‌های بومی- محلی و بررسی آنها از منظر حسی- حرکتی و شناختی در هر فعالیت، ظرفیت‌های بالای حسی- حرکتی نهفته در آنها را آشکار می‌سازد و ایده‌های فراوانی را برای طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و ورزشی برخاسته از بازی‌های بومی در ذهن متبلور می‌سازد.

با در نظر داشتن حیطه‌های حسی- عصبی ، حرکتی، بینایی و شنوایی می‌توان فعالیت‌های بازی‌محور آموزشی و درمانی مناسبی را طراحی و اجرا نمود. هر یک از بازی‌های بومی- محلی شامل یک یا چند مهارت حرکتی است که می‌تواند زمینه از شکل‌گیری مهارت‌های پایه در رشته‌های مختلف ورزشی در بُعد قهرمانی قلمداد شود.

بازی های بومی ـ محلی علاوه بر حسی حرکتی باعث انسجام اجتماعی می شود و می توان از آن به عنوان شکل دهند کارهای گروهی و ایجاد حساس همکاری و تعاون نام برد .

بازی‌های سنتی که معمولا به صورت گروهی بوده و با فعالیت‌های حرکتی همراه هستند، به رشد حسی-حرکتی کودک کمک و او را درکسب مهارت های حرکتی که یکی از عوامل زیربنایی فعالیت‌های شناختی است، یاری می‌کند. تمامی بازی‌های بومی و محلی، هدفمند است.

این بازی‌ها قابلیت اجرا در کمترین فضا را دارند. سهل‌الوصول بوده و با کمترین امکانات قابلیت اجرا دارند. به گروه سنی و جنسیت خاصی تعلق ندارند.

در تمام فصول مختلف سال و فواصل شبانه‌روز انجام می‌شوند(بازی‌های روزانه، شبانه) و کمک شایانی به شناسایی، احیاء و ترویج فرهنگ و رسوم اقوام مختلف ایرانی از طریق بازی می‌کند.

بازی های بومی و محلی که قدمتی به اندازه تاریخ سرزمین مان دارند اما اکنون در کشاکش زندگی روزمره و پیشرفت علم و تکنولوژی رو به فراموشی هستند و بعضی ها هم به خاطرها سپرده شده اند.

این بازی ها که به اهداف مشخص شده طراحی گردیده اما بیشتر شان در آستانه فراموشی اند ،زندگی مدرن باعث دوری از بازیهای محلی و بی تحرکی و شیوع انواع بیماری ها حتی در جوامع روستایی شده است.

نقش مهم و تاثیرگذار مدارس در آموزش و انجام این بازی‌ها نبایستی نادیده گرفته شود. با توجه به جامعه مخاطب و نقش تأثیرگذار آموزش و پرورش می‌بایست برای آموزش بازی‌های محلی در زنگ‌های ورزش مدارس و حتی در کتب درسی بطور خاص برنامه‌ریزی شود، چون کودکان و نوجوانان بیشتر وقت خود را با هم سن و سالان خود در مدارس می‌گذرانند.

هِله هِله گرگ چَمبری

بازی به این شکل است که از میان بازیکنان دو اُوسا انتخاب شده و افراد خود را انتخاب می کنند و بازیکنان دو .بیله (گروه) می شوند

یک بیله آدمها و بیله ی دیگر گرگ ها را تشکیل می دهند. سپس روبروی یکدیگر قرار می گیرند. افراد هر بیله پشت سر هم ایستاده ، هر یک با دو دست کمر نفر جلویی را محکم می گیرند ، آنگاه دو بیله خلاف جهت :همدیگر شروع به پریدن کرده و چنین می خوانند

گرگ ها : هِله هِله گرگ چَمبری ؟

آدمها : زهله نداری ببری

گرگ ها : اگه ببرم چه می کنی ؟

آدمها : خار خرنجت می کنم

گرگ ها : لقمه ی مو چرب تره

آدمها : کارد مو تیز تره

گرگ ها : خونه ی خاله کمو هِله ؟

آدمها : از ئی هِله ، از او هِله

گرگ ها : آغام گفته دسی بده

آدمها : دسی ندارم چه کنم

گرگ ها : آغام گفته اسوم بدم

آدمها : اسوم ندارم چه کنم

بعد از این گفتگوها ، نفرات دو بیله دست همدیگر را می گیرند و هر بیله سعی می کند طرف دیگر را به سوی خود بکشد. هر بیله که برنده شد، بیله دیگر موظف است آنها را کول کند و مسافتی ببرد.

خَر مَن چَن مَن؟

محل بازی : خرمن جا

وسیله ی بازی : تَرت

فصل بازی : تابستان موقع خرمن

تعدا بازیکنان : حداقل ۶ نفر ، زوج یا فرد

این بازی مخصوص شب های مهتاب فصل تابستان است و باید حتما روی خاک نرم انجام بگیرد.

ابتدا دو اُوسا از میان بازیکنان انتخاب شده و بقیه نفرات به دو بیله تقسیم می شوند. هر بیله معمولا از ده نفر تجاوز نمی کند.

آنگاه تَر یا خشک کرده تا معلوم شود کدام بیله باید بازی را در دست بگیرند.

در اینجا ، اوسای بیله ای که حق بازی با آنهاست (بیله بالا) می رود کنار تُلِ خاکی که قبلا ساخته اند می نشیند و نفراتش چهار زانو پشت سر او قرار می گیرند. بیله ی پایین هم به فاصله ی ده متر روبروی آنها می نشینند.

برای شروع بازی ، اوسای بیله ی بالا در حالی که به تُلِ خاکی دست می کشد و مقداری از آن را به هوا بلند می کند، از اوسای بیله ی پایین می پرسد:

خَر مَن چَن مَن ؟

اوسای بیلهی پایین می پرسد : بالا ، دومَن ؟

در این موقع اوسای بیله ی بالا، که حدود وزنی را با توجه به تُلِ خاکی در نظر دارد، بالا یا دومن را بر زبان می آورد. مثلا اگر در نظرش وزن زیادی است می گوید:

بالا و اگر کم است می گوید دومَن

بازی با گفتن بالا ، دومن ادامه پیدا می کند تا اوسای بیله ی پایین حدسا بگوید که مثلا خَر مَن پنج مَن (اوسای بیله ی پایین فقط تا سه مرتبه حق دارد حدود وزنی را حدس بزند). اگر این پنج من درست از آب در آمد ، بیله ی بالا سوخته اند، بنابراین موظفند بروند یکی یکی بازیکنان بیله ی پایین را کول کنند و ببرند به جای خود و روی خاک های نرم بگذارند بدین ترتیب، بیله ی پایین باید بیله ی بالا را کول کنند . و بازی به همین صورت ادامه پیدا می کند .

بُوات پیرن یا جهال

این بازی مخصوص بچه‌های کوچک است و در فصل تابستان یعنی در ماههای تیر و مرداد انجام می‌گیرد، زیرا وسیله بازی اسّک خمال «هسته خارک» است که در این فصل موجود می‌باشد.

ابتدا بچه‌ها دور هم جمع شده، اسک‌هایشان را در دست گرفته به نوبت، به این طریق بازی را شروع می‌کنند. نفر اول ضمن اینکه اسکش را میان انگشت شصت و سبابه قرار داده از نفر دومی می‌پرسد: بووات پیرن یا جهال (بابات پیر است یا جوان)، نفر دوم به دلخواه می‌گوید، پیر یا جهال بعد نفر اول با دقت به وسیله دو انگشت به اسکش فشار می‌آورد، و چون اسک حالت لغزندگی دارد معمولاً به هوا می‌جهد. ارتفاع جهش اسک بستگی درست گرفتن آن و مهارت بازیکن دارد اگر اسک تا ارتفاع قابل ملاحظه‌ای، مثلاً حدود نیم‌متر یا ۳۰ سانتی‌متر پرش کرد که پدر نفر دومی جهال است. اما چنانچه ضمن فشار دادن، اسک جهش نکرد یا اینکه در حدود سه چهار سانتی‌متر جهید در این صورت پدر نفر دومی پیر است. بازی تا دو نفر آخر به همین ترتیب ادامه می‌یابد.

این بازی در محله‌هایی که پیرامون نخلستان است بیشتر صورت می‌گیرد. گهگاه مادران برای نوازش و سرگرم ساختن کودکان خود این بازی را به تنهایی انجام می‌دهند.

چوکیلی بازی محلی

این بازی مخصوص مردان می‌بود.م یک چوب بزرگ ۸۰ سانتی‌متر و یک چوب کوچک ۱۰ سانتی تهیه کرده و زمین بازی به شکل یک دایره می‌باشد که به آن داکه می‌گویند و گروه برنده در آن دایره چوب کوچک را به سمت بیرون پرتاب می‌کنند و تیم مقابل متقابلاً آن را به طرف دایره (داکه) پرتاب می‌کنند که تیم برتر بایستی از ورود چوب کوچک (کیلی) به درون دایره جلوگیری بعمل آورند

سایه بردک

این بازی را هم پسران بازی می‌کردند و هم دختران برای شروع بازی ابتدا چند نفری جمع می‌شدند که در این بازی تعداد مطرح نبوده است مدتی هم بازی می‌کردند که هوا مهتابی بوده باشد همه افراد سر ردیف ایستاده و یک نفر را از میان خود به عنوان رئیس انتخاب می‌کردند رئیس یک سنگ گرد برداشته و سنگ را پرتاب می کرد تا مشخص شود که سنگ در سایه چه کسی می‌افتد شخصی که سایه آن سنگ رویش بود باید دنبال بقیه افراد می‌دوید و دست و روس سر آنها می‌گذاشت دست روی سر هر که می‌نهاد آن شخص با شخص اول همکاری می‌کرد تا الی آخر

هفت سنگ

یک بازی بومی و ایرانی است که تعداد بازیکنان ۴الی ۱۶نفر است. همان‌طور که از اسمش **هفت سنگ** .پیداست با روی هم گذاشتن هفت تکه سنگ صاف و هموار از بزرگ به کوچک بازی شروع می‌شود

یک گروه محافظ آن سنگ‌ها است و گروهی دیگر که با توپی کوچک، سعی در فروریختن ستون سنگی گروه مقابل را دارند. اولین نفر از گروه اول از فاصله‌ای حدود ۴ الی ۷ متری - که معمولاً در ابتدای بازی با خطی مشخص می‌شود - با پرتاب توپ، سعی در ریختن سنگ‌ها دارد. در طرف مقابل، وقتی این اتفاق می‌افتد، محافظان توپ را می‌ربایند و پس از حلقه زدن دور سنگها توپ را زیر لباس یکی از افراد گروه مخفی می‌کنند و سایر اعضا با نشان دادن اینکه توپ زیر لباس انهاست با نمایش اقدام به دور کردن مهاجمان می‌کنند و به دنبال .برنده‌ها می‌دوند. از طرفی گروه مقابل سعی می‌کند هفت سنگ را دوباره بچینند و برنده بازی شود

البته روش‌های دیگری هم وجود دارد که شبیه به هم هستند. در گذشته برای ساخت توپ از تکه‌های لاستیک .یا پارچه استفاده می‌کردند و با نخ آن‌ها را محکم می‌بستند. بازی هفت سنگ کمی شبیه ورزش بیسبال است

این بازی را در قدیم بیشتر در عید نوروز و مناسبت‌ها و شاد باش‌ها بازی می‌کردند و به جای سنگ از چیزهای .دیگری مثل انجیر، خرما و ... استفاده می‌کردند

.